



سختگوی سازمان ملل متحد در واکنش به اقدام آمریکا علیه ایران در تنگه هرمز گفت: بر اساس حقوق بین الملل، آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز نباید آسیب ببیند. به گزارش اقتصادسراسرآمد، «استفان دوچاریک» این مطلب را در پاسخ به سوال که با ایرنا بیان کرد که از او پرسید: آیا آغاز محاصره دریایی تنگه هرمز توسط ایالات متحده، نقض توافق آتش‌بس با ایران و همچنین نقض قوانین بین‌المللی در مورد آزادی ناوربری محسوب نمی‌شود؟ موضع دبیر کل سازمان ملل با توجه به خطر تشدید بحران انرژی و افزایش قیمت جهانی نفت، در مورد اقدام آمریکا چیست؟ دوچاریک در پاسخ به خبرنگار ایرنا گفت: موضع دبیر کل سازمان ملل همواره ثابت بوده است و هیچ کس نباید اقدامی انجام دهد که به آزادی ناوربری و کشتیرانی در تنگه هرمز آسیب برساند.

سختگوی سازمان ملل متحد تصریح کرد: این آزادی کشتیرانی بر پایه حقوق بین‌الملل و سال‌ها و سال‌ها عرف بین‌المللی استوار است. دوچاریک گفت: ما نیاز داریم که آزادی کشتیرانی به‌طور کامل توسط همه طرف‌ها احیا شود. ما نمی‌خواهیم شاهد بازگشت به درگیری باشیم. نمی‌خواهیم دوباره شاهد شلیک موشک‌ها و کشته شدن غیرنظامیان باشیم. سختگوی سازمان ملل تأکید کرد: ما طرف‌ها را تشویق می‌کنیم که در مسیر فعلی بمانند و مذاکرات را از سر بگیرند. دوچاریک همچنین درباره مذاکرات میان ایران و آمریکا با تلاش میانجیگران گفت: پیام ما به تمامی طرف‌هایی که با آن‌ها در تماس هستیم، از جمله طرف‌هایی که ژان آرنو فرستاده دبیرکل سازمان ملل با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند، این است که هر اقدامی که می‌توانیم برای حمایت از این مذاکرات انجام دهیم.

سختگوی سازمان ملل افزود: امیدواریم این گفت‌وگوها در سطوح مختلف از سر گرفته شوند و تداوم یابند. ما قریبا خواهان تداوم آتش‌بس هستیم.

دوچاریک بار دیگر درباره تنگه هرمز تصریح کرد: همه طرف‌های این درگیری باید مطابق با قوانین بین‌المللی به آزادی دریانوردی در تنگه هرمز احترام بگذارند.

درگیری خاورمیانه هیچ راه حل نظامی ندارد سختگوی سازمان ملل همچنین در ابتدای این نشست خبری به خبرنگاران در نیویورک اعلام کرد: پس از هفته‌ها ویرانی و رنج، روشن است که برای درگیری کنونی در خاورمیانه هیچ راه‌حل نظامی وجود ندارد.

وی درباره مذاکرات اسلام آباد گفت: اگر چه در گفت‌وگوهای بر گزار شده به میزبانی پاکستان میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در اسلام‌آباد توافق حاصل نشده، اما نفس این مذاکرات نشان‌دهنده جدیت تعامل طرفین بود و گامی مثبت و معنادار در جهت از سرگیری گفت‌وگوها به‌شمار می‌رود.

دوچاریک تصریح کرد: با توجه به اختلافات عمیق و ریشه‌دار، نمی‌توان یک شبه به توافق دست یافت و دبیر کل سازمان ملل خواستار آن است که این مذاکرات به‌صورت سازنده ادامه یابد تا در نهایت به توافق منجر شود.وی گفت: در عین حال، آتش‌بس باید به‌طور کامل رعایت و تمامی موارد نقض آن متوقف شود.

دوچاریک افزود: دبیر کل از تلاش‌های مستمر میانجیگران – پاکستان که میزبان این گفت‌وگوها بود، و همچنین عربستان سعودی، مصر و ترکیه – قدردانی می‌کند و از جامعه بین‌المللی می‌خواهد که همچنان از این تلاش‌ها حمایت کند. سختگوی سازمان ملل ادامه داد: دبیر کل سازمان ملل می‌کند که همه طرف‌های درگیر در این درگیری باید مطابق با قوانین بین‌المللی به آزادی دریانوردی از جمله در تنگه هرمز، احترام بگذارند.وی تصریح کرد: حدود ۲۰ هزار دریانورد درگیر این بحران شده‌اند و در حال حاضر در کشتی‌ها گرفتار هستند و هر روز با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند.

دوچاریک گفت: اختلال در تجارت دریایی از طریق تنگه هرمز، تأثیر مستقیمی فراتر از منطقه نزدیک داشته است و شکنندگی اقتصادی جهانی و ناامنی را در بسیاری از بخش‌ها افزایش داده است.

سختگوی سازمان ملل گفت: اختلال در تأمین کود و مواد اولیه مرتبط، کم‌کنون تأثیر بسیار منفی بر بخش کشاورزی گذاشته و چشم‌انداز ناامنی غذایی را وخیم‌تر کرده است. وی یادآور شد، در همین راستا، مدیر اجرایی دفتر خدمات پروژه‌ای سازمان ملل (UNOPS)، خورخه موریرا دا سیلوا، در همکاری با کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD)، سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO) و اتاق بازرگانی بین‌المللی، همچنان به‌طور گسترده با طرف‌های ذی‌ربط در حال رایزنی است تا سازوکار مربوط به تنگه هرمز که در ۲۷ مارس اعلام شد، طراحی و عملیاتی شود.دوچاریک ادامه داد: همچنین «ژان آرنو» فرستاده دبیر کل سازمان ملل همچنان به‌طور فعال در منطقه حضور دارد و با ذی‌نفعان کلیدی در ارتباط نزدیک است و تلاش‌های خود را در حمایت از دستیابی به یک توافق جامع و پایدار ادامه می‌دهد.



سید گروه راهبردی – مرتضی فاخری – در کوران تحولات ژئوپلیتیکی نوین و در آستانه پایان تنش‌های نظامی که منطقه راهبردی خلیج فارس را به صحنه منازعه کشانده است، ایده تبدیل تنگه هرمز به یک آبراه عوارضی تحت مدیریت ایران، از منظر اقتصادی و امنیتی، اهمیتی دوچندان یافته است. این رویکرد نوآورانه که با الهام از مدل‌های موفق بین‌المللی چون کانال سوئز، و در تقابل با هژمونی دیرینه ایالات متحده در منطقه، پیگیری می‌شود، پتانسیل دگرگونی بنیادین در معادلات قدرت و منافع اقتصادی را داراست. بر اساس تحلیلی عمیق از ظرفیت‌های موجود، حجم عظیم تجارت جهانی دریایی شامل بخش قابل توجهی از نفت و گاز طبیعی مایع شده جهان که روزانه از این تنگه حیاتی عبور می‌کند، این پتانسیل را به درآمدی ماهانه بیش از ۱.۵ میلیارد دلار از طریق دریافت عوارضی منطقی و کمتر از حق بیمه ریسک فعلی، ارتقا می‌بخشد. این سازوکار نه تنها می‌تواند به عنوان منبعی پایدار برای جبران خسارات ناشی از جنگ‌های تحمیلی عمل کند، بلکه با تعبیه سازوکارهای هوشمندانه در دریافت عوارض، به ویژه ترجیح دریافت به دلار آمریکا در مقابل یوان، می‌تواند اهرم فشاری قدرتمند در مذاکرات آتی با غرب، و بخصوص ایالات متحده، محسوب شود. این انتخاب استراتژیک در نحوه دریافت عوارض، ضمن تقویت جایگاه پتrodollar در نظام مالی جهانی، امتیازات قابل توجهی را به ایران در میز مذاکره اعطا می‌نماید. فراتر از منافع اقتصادی، مدیریت فعالانه این آبراه حیاتی، فرصتی بی‌بدیل برای بازتعریف چارچوب‌های امنیتی منطقه و ارتقای روابط با همسایگان عرب فراهم می‌آورد؛ در شری‌ایلی که نگرانی از اقدامات ایران در منطقه به اوج خود رسیده است، تبدیل شدن به یک «مدیریت‌کننده» به جای «تهدیدکننده» از طریق ایجاد یک چارچوب عدم تجاوز و حتی مشارکت در بازسازی شورهای آسیب‌دیده، می‌تواند به ایجاد ثبات پایدار و همزیستی مسالمت‌آمیز در خلیج فارس یاری رساند. پذیرش نقش ضامن از سوی آمریکا در این سازوکار، در ازای تقویت جایگاه دلار، می‌تواند تضمین‌کننده موقعیت بلندمدت این طرح باشد و ایران را در دوراهی خطیر «بستن تنگه» و «کسب درآمد از طریق مدیریت آن»، به سمت گزینه‌ای سازنده‌تر و پابناث‌تر هدایت کند؛ مسیری که در صورت اجرای صحیح، می‌تواند به مهم‌ترین دستاورد اقتصادی و سیاسی ایران در دوران پس از جنگ در خاورمیانه بدل گردد.

تنگه هرمز، آبراه عوارضی ایران

ایده تبدیل تنگه هرمز به یک آبراه عوارضی توسط ایران، نه تنها یک راهبرد اقتصادی نوآورانه برای تأمین منابع مالی قابل توجه، بلکه یک اهرم ژئوپلیتیکی قدرتمند برای بازتعریف معادلات قدرت در منطقه و جهان به‌شمار می‌رود. با توجه به حجم عظیم تجارت دریایی که از این تنگه استراتژیک عبور می‌کند، برآورد درآمد ماهانه بیش از ۱.۵ میلیارد دلار از طریق دریافت عوارض، عددی چشمگیر و تأثیرگذار بر اقتصاد ملی است. این درآمدزایی عظیم می‌تواند به‌طور مؤثری در پروژه‌های توسعه‌ای، تقویت زیرساخت‌های حیاتی، و ارتقاء سطح رفاه عمومی به کار گرفته شود. اما ابعاد این طرح فراتر از منافع اقتصادی صرف است؛ این اقدام می‌تواند منجر به تضعیف هژمونی ایالات متحده در منطقه و کاهش نفوذ آن در یکی از حیاتی‌ترین نقاط استراتژیک جهان گردد. ایران با اتخاذ این سیاست، می‌تواند اعتبار و وزن ژئوپلیتیکی خود را به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد و به عنوان یک بازیگر کلیدی در تعیین سرنوشت خلیج فارس مطرح شود. برای پیاده‌سازی این ایده، می‌توان از الگوی موفق کانال سوئز الهام گرفت. کانال سوئز،

در حالی‌که برخی رویکردها، بر دریافت عوارض به یوآن چین تأکید دارند، با این استدلال که این امر می‌تواند به تعمیق روابط اقتصادی با شریک تجاری دیرینه ایران منجر شود، اما تحلیل دقیق‌تر، مزیت‌های استراتژیک دریافت عوارض به دلار آمریکا را آشکار می‌سازد. تبدیل تنگه هرمز به یک منبع درآمد دلاری پایدار، نه تنها توانایی ایران را در تأمین نیازهای ارزی خود افزایش می‌دهد، بلکه به‌طور بالقوه می‌تواند نقش دلار را در بازارهای جهانی، به ویژه در حوزه انرژی، مجدداً تقویت نماید. این امر، آن هم در شرایطی که ایالات متحده با چالش‌های اقتصادی و کاهش نفوذ دلار در سطح بین‌المللی مواجه است، می‌تواند به عنوان یک «امتیاز پشت پرده» با اهرم فشار دیپلماتیک، در مذاکرات آتی با واشنگتن مورد استفاده قرار گیرد. تصور کنید در میز مذاکره، ایران توانایی تأثیرگذاری بر یکی از ستون‌های کلیدی اقتصاد جهانی یعنی نقش دلار در تجارت انرژی را داشته باشد؛ این خود به‌طور ذاتی، وزنه چانه‌زنی ایران را به شدت افزایش می‌دهد. دریافت عوارض به دلار، در واقع به معنای افزایش تقاضا برای این ارز، تقویت پتrodollar و اعطای ابزاری قدرتمند به ایران برای پیگیری منافع ملی خود در سطوح عالی دیپلماتیک است. این رویکرد، فراتر از منافع مالی کوتاه‌مدت، به بازتعریف جایگاه ایران در نظم اقتصادی جهان و ایجاد تعادل نوین در روابط با قدرت‌های بزرگ کمک خواهد کرد.

از سوی دیگر؛ چین، به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، تمایل فزاینده‌ای به استفاده از یوان در معاملات نفی خود نشان داده است. این رویکرد، در صورت گسترش، می‌تواند به تدریج از اهمیت دلار در بازار نفت کاسته و توازن قدرت اقتصادی جهانی را دگرگون سازد. در این میان، تنگه هرمز به صحنه این رقابت ژئواقتصادی تبدیل شده است. ایران، با در نظر گرفتن این تحولات، می‌تواند از موقعیت استراتژیک خود برای پیشبرد اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی‌اش بهره‌برد. ایده دریافت عوارض از نفت عبوری از تنگه هرمز، می‌تواند با پذیرش ارزهای مختلف، از جمله یوان، به تدریج وابستگی به دلار را کاهش دهد. این استراتژی، علاوه بر درآمدزایی مستقیم، می‌تواند به تقویت جایگاه ارزهای ملی در مبادلات بین‌المللی کمک کرده و به ایران امکان دهد تا از فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های دلاری فاصله بگیرد. همچنین، همکاری با کشورهایی که به دنبال تنوع‌بخشی به ذخایر ارزی خود هستند، می‌تواند راه را برای ایجاد یک نظام تجاری چندارزی هموار سازد. این تحولات، پیامدهای عمیقی برای نظم مالی جهانی خواهد داشت و می‌تواند به کاهش نفوذ آمریکا و افزایش نقش بازیگران نوظهور در اقتصاد بین‌الملل منجر شود. بنابراین، پیوند میان تنگه هرمز و پتrodollar، بیش از پیش به یک کانون ژئواقتصادی تبدیل شده است که آینده نظم مالی جهان را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

امنیت منطقه‌ای در گرو عوارض تنگه هرمز

گذار از تنش‌های امنیتی دیرینه در خلیج فارس به سمت همزیستی پایدار با همسایگان عرب، در گرو بازنگری در رویکردهای امنیتی و گشودن باب جدیدی از همکاری‌های منطقه‌ای است. ایده تبدیل تنگه هرمز به یک آبراه عوارضی، در کنار منافع اقتصادی هنگفت، فرصتی بی‌بدیل برای تحقق این گذار امنیتی فراهم می‌آورد. اما این طرح، به‌طور طبیعی، با چالش‌های قابل توجهی در زمینه پذیرش از سوی کشورهای عربی همسایه مواجه است. نگرانی اصلی این کشورها، پیرامون ایران و احتمال استفاده از اهرم عوارض به عنوان ابزاری برای افزایش تنش یا اعمال فشار نظامی است. در چنین شرایطی، راهکار پیشنهادی مبنی بر استفاده از عوارض به عنوان بستری

«سراسرآمد» بررسی می‌کند؛

«پیاده‌سازی اخذ عوارض تنگه هرمز» نیازمند بازتعریف رویکرد ایران است

«مدیریت تنگه هرمز و دیپلماسی همسایگی» نقشه راه سیاست‌گذاری آینده ایران

برای ایجاد چارچوب «عدم تجاوز و عدم مداخله»، می‌تواند نقطه عطفی در تغییر این نگاه تلقی گردد. ایران با تبدیل خود از یک «تهدید بالقوه» به یک «شریک ثبات منطقه»، می‌تواند اعتماد از دست‌رفته را بازسازی کند. این رویکرد، مستلزم شفافیت کامل در مورد نحوه دریافت و تخصیص عوارض است؛ به گونه‌ای که بخشی از این درآمد‌ها، به جای تمرکز صرف در داخل کشور، به پروژه‌های مشترک منطقه‌ای، به ویژه در حوزه بازسازی و توسعه زیرساخت‌های کشورهای آسیب‌دیده از نزاعات گذشته، اختصاص یابد. این اقدام، نه تنها حسن نیت ایران را به اثبات می‌رساند، بلکه با ایجاد منافع مشترک اقتصادی و امنیتی، پیوندهای همبستگی منطقه‌ای را تقویت کرده و زمینه را برای شکل‌گیری یک معماری امنیتی فراگیر فراهم می‌سازد. نیازمند بازتعریف رویکرد ایران نسبت به امنیت منطقه‌ای است. به جای تقابل و تنش، اتخاذ یک استراتژی همزیستی مسالمت‌آمیز با همسایگان عرب، می‌تواند منافع بلندمدت ایران را تضمین کند. ایران می‌تواند با تأکید بر منافع مشترک اقتصادی ناشی از ثبات تنگه هرمز، همسایگان عرب را به همکاری در این طرح ترغیب کند. ارائه مدلی شبیه به کانال سوئز، که در آن منافع همه ذینفعان در نظر گرفته شده است، می‌تواند به ایجاد اعتماد و کاهش نگرانی‌ها کمک کند. در این مدل، ایران می‌تواند نقش مدیریت‌کننده و تضمین‌کننده امنیت را بر عهده بگیرد و در مقابل، از کشورهای منطقه بخواهد که در تأمین هزینه‌های نگهداری و توسعه زیرساخت‌های تنگه مشارکت کنند. این همکاری اقتصادی می‌تواند به تدریج به همکاری‌های امنیتی و سیاسی گسترده‌تر منجر شود و پایه‌های یک همزیستی پایدار را در منطقه بنا نهد. در این سناریو، تنگه هرمز از یک نقطه بالقوه تنش، به نمادی از همکاری و همکاری منطقه‌ای تبدیل خواهد شد که امنیت و رفاه را برای همه کشورهای حاشیه خلیج فارس به ارمان می‌آورد. این رویکرد، نه تنها به نفع ایران، بلکه به نفع تمام منطقه خواهد بود و می‌تواند فصل نوینی از روابط مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک را آغاز کند.

چشم‌انداز وافق سیاست‌گذاری آینده

سیاست‌گذاری آینده، در افق چندوجهی، نیازمند درکی عمیق از روندهای جهانی، انطباق‌پذیری با تحولات نشاناب، و پایبندی به اصول بنیادین توسعه پایدار و امنیت منطقه‌ای است. در این چشم‌انداز، اتخاذ رویکردهای نوآورانه در حوزه‌های اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی، نقشی کلیدی ایفا خواهد کرد. تمرکز بر تنوع‌بخشی به منابع درآمدی، تقویت زیرساخت‌های دانش‌بنیان، و ارتقاء جایگاه کشور در زنجیره‌های ارزش جهانی، از اولویت‌های اقتصادی به شمار می‌روند. در عرصه دیپلماتیک، گسترش روابط با قدرت‌های نوظهور و تقویت همکاری‌های چندجانبه، ضمن حفظ هویت مستقل، می‌تواند به ایجاد تعادل در روابط بین‌الملل و تأمین منافع ملی کمک کند. در حوزه امنیت، گذار از رویکردهای مبتنی بر تقابل به سمت الگوهای همکاری منطقه‌ای، با تأکید بر مفاهیمی چون «عدم تجاوز» و «توسعه مشترک»، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای مساعد برای رشد و شکوفایی همگان یاری رساند. بهره‌گیری از اهرم‌های اقتصادی، مانند مدیریت استراتژیک تنگه هرمز، در کنار دیپلماسی فعال، می‌تواند ابزاری قدرتمند برای دستیابی به این اهداف باشد. در نتیجه، آینده‌نگری در سیاست‌گذاری، مستلزم پیش‌بینی تحولات آتی، آمادگی برای مواجهه با چالش‌های پیش‌بینی نشده، و انعطاف‌پذیری در اجرای راهبردها، با هدف تضمین منافع بلندمدت کشور و ارتقاء سطح رفاه و امنیت شهروندان خواهد بود.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریاد ارزی – اقتصاد سراسرآمد